



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد تهران مرکزی  
دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)  
گرایش: جزا و جرم شناسی

عنوان:

حقوق شهروندی در قوانین داخلی و منابع فراملی

استاد راهنما:

دکتر سید یزداله طاهری نسب

استاد مشاور:

دکتر علی جمادی

نگارش:

حسین رضا زاده

تابستان ۱۳۹۰



*ISLAMIC AZAD UNIVERSITY  
CENTRAL TEHRAN BRANCH  
FACULTY OF LAW – DEPARTMENT of  
CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY GROUP  
LAW M.A thesis  
CRIMINAL LAW*

***SUBJECT:***  
*Citizenship rights in Domestic Laws and International Sources*

***ADVISOR :***  
*Dr. Sayed yazdoLlah Taherinasab*

***READER:***  
*Dr. Ali Jamadi*

***BY:***  
*Hossain Rezazadeh*

*Summer 2011*

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده:	۱
کلیات: مقدمه	۲
فصل اول: بیان مفاهیم و پیشینه ی تحولات تاریخی حقوق شهروندی در ایران و کشورهای	
غربی و رابطه آن با حقوق بشر	۷
مبحث اول: بیان مفاهیم و رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر	۹
مبحث دوم: پیشینه ی تحولات تاریخی حقوق شهروندی در ایران	۲۰
مبحث سوم: پیشینه تحولات تاریخی حقوق شهروندی در غرب	۳۱
فصل دوم: منابع حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران و اسناد بین المللی	۵۳
مبحث اول: منابع دینی حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران	۵۴
مبحث دوم: منابع حقوق شهروندی در قوانین موضوعه ایران	۷۵
مبحث سوم: منابع فراملی حقوق شهروندی در اسناد بین الملل	۱۰۹
فصل سوم: صیانت و نقض حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران و اسناد و سازمانهای بین	
المللی و کشورهای غربی	۱۲۲

مبحث اول : نهادهای پیشگیری و مقابله با نقض حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران .....	۱۲۴
مبحث دوم: نقض حقوق شهروندی در نظام کیفری ایران .....	۱۴۴
مبحث سوم: صیانت از حقوق بشر و شهروندی در اسناد بین المللی و موارد نقض آن .....	۱۵۷
نتیجه گیری .....	۱۷۲
پیشنهادها .....	۱۷۸
فهرست منابع .....	۱۸۹
ضمائم .....	۱۹۰

## چکیده:

از موضوعات مهم و اساسی که در جهان امروز مورد نظر جامعه ی بشری بوده و مباحث گوناگونی را مطرح کرده و در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی و قضایی، چالش های نوینی را برانگیخته است، حقوق شهروندی است که از ابعاد گوناگونی می توان به آن پرداخت و آثار و نتایج آن را در جامعه مورد بررسی قرار داد.

رعایت این حقوق صرفنظر از نژاد، دین، مذهب، جنسیت و تکیه بر عدالت و پیشرفت های علمی در جهان جدید همه دست به دست هم داده تا نهال نوپای حقوق شهروندی آبیاری شود و در مسیر رشد و بالندگی قرار گیرد.

حقوق شهروندی در تعاریف کلاسیک منطبق بر مفهوم حقوق تبعه بوده در حالیکه تحولات نوین جهانی، حقوق منحصر به تبعه، حقوق سیاسی و آنچه با جنبه های حاکمیتی دولت مرتبط است، می باشد و سایر حقوق اتباع، به همه ی سکنه ی کشور تفویض شده است.

این عنوان بدیع در ساختار نوین حقوق جمهوری اسلامی ایران علیرغم وجود بسترهای تاریخی و فقهی و قانونی، مولودی نو ظهور تلقی می شود و به همین جهت در برخی موارد با حقوق متهم عجین شده است.

این پژوهش می کوشد تا با طرح مباحثی از تعاریف و مفاهیم و پیشینه ی تحولات تاریخی حقوق شهروندی در ایران و غرب و جستاری در منابع اصلی داخلی و فراملی و کاوشی در چگونگی صیانت یا نقض آن و ارائه پیشنهادهای کاربردی برای حفظ و صیانت آن، ساختاری جامع از آن به دست دهد. شناسایی کامل مفاهیم فوق، زنگار ابهام موجود را از این آینه خواهد زدود.

## کلید واژگان:

حقوق شهروندی، شهروندی، شهروندی، حقوق بشر، تابعیت، حقوق مردم، حقوق ملت.

## کلیات

### الف: مقدمه

حقوق همزاد جامعه است و پیشینه اش به تاریخ بشر بر می گردد اما آنچه در گذر تاریخ و تکامل آن همراه با تحولات فکری و علمی انسان، موضوعی مهم و اساسی برای انسان به ارمغان آورد، همانا مسأله حق و حقوق اوست که با مدنیت و پیشرفت های بشر به رشد و اعتلاء رسیده است.

دین مبین اسلام با توجه به ساختار فطری دین (فطره الله التي فطر الناس علیها...) به حقوق فطری انسانها که مبنای حقوق شهروندی است توجه ویژه ای داشته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در فصل سوم و بیست سه اصل در فصول دیگر به حقوق ملت و فرد پرداخته است. حقوق شهروندی ریشه در این اصول دارد که خود به نحوی مقتبس از اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در تمدن ایران باستان نیز حقوق شهروندی افراد مقیم در امپراطوری گسترده پارس در منشور جهانی حقوق بشر کوروش کبیر و رفتار حکمرانان پس از کوروش از جمله داریوش کبیر به روشنی آشکار است.

حقوق شهروندی را با عنوان جدید تا کنون حقوقدانان کمتر بدان پرداخته اند، لکن این حقوق از تعریف سر منشأ خود که همان حقوق بشر است بیگانه نیست.

حقوق شهروندی که پس از انقلاب انگلستان و انقلاب کبیر فرانسه به نحو گسترده ای از گفت و شنود و نوشته های فلاسفه به قال و مقال افراد جوامع مختلف و در رأس آن فرانسه و سپس ایالات متحده نوپای آن زمان تبدیل و همچنین با جنگهای ناپلئون بناپارت به همه پهنه اروپا کشیده شده، مجموعه امتیازاتی است که انسان بماهو انسان داراست. شاید بتوان این حقوق را با حقوق فطری منطبق دانست. یعنی مجموعه امتیازات و حقوقی که انسان صرف نظر از علقه

تابعیت و سایر وابستگی های قراردادی (قرارداد اجتماعی) از آن بهره مند می شود یا به عبارت دیگر، مجموعه حقوقی که به سکنه یا کشور اعم از بیگانه و تبعه درمقابل دولت داده می شود. مجموع حقوقی را که در یک جامعه افراد از آن بهرمنند هستند حقوق شهروندان یا حقوق شهروندی می نامند.

درحقوق شهروندی همانند حقوق بشر، امر تابعیت تاثیری ندارد زیرا این حقوق حداقل حقوقی است که انسان از آن جهت که در جامعه با دیگر انواع خود به سر می برد داراست. پایان نامه حاضر در این تلاش است که بتواند تعریفی جامع و مانع از این حقوق به دست آورد.

با توجه به اینکه حقوق مفهومی ذاتاً شکننده است و در رویارویی با قدرت، عملاً عقب نشینی با حقوق بوده، حقوق شهروندی نیز از این کلیت مستثنی نیست، باید درپی راهکار محافظتی برای این مفهوم در مقابل مقوله قدرت بود. فراز و نشیبهای ۳۳ ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و صرف نظر از اینکه مصادیق حقوق شهروندی در قوانین مختلف به صورت پراکنده از تصویب مقنن گذشته و تعریف مشخصی از آن به دست نداده است، لکن در اوایل پیروزی انقلاب آنچه که به عنوان فرمان هشت ماده ای حضرت امام خمینی (ره) اشتهار یافت و پس از آن در دهه سوم انقلاب تئوری حقوق شهروندی که توسط رئیس قوه قضائیه وقت به موجب بخشنامه ای ابراز و عیناً به عنوان قانون از تصویب مجلس ششم گذشت به صورت یکجا تدوین شده است.

سعی این پایان نامه علاوه بر شناسایی، تعریف و مبنای حقوق شهروندی، در یافتن پاسخ مناسب برای این سؤالات است:

۱- آیا حقوق شهروندی ناظر به حقوق همه ساکنین ایران است یا ناظر به اتباع ایرانی صرفنظر از محل اقامت ایشان.

۲- چه رابطه ای بین حقوق شهروندی و حقوق بشر وجود دارد؟

۳- چگونه می توان از حقوق شهروندی افراد در مقابل قدرت های آشکار و پنهان موجود در جامعه صیانت کرد؟

۴- آیا قوانین و مقررات فعلی می تواند ضامن حقوق شهروندی و جلوگیری از نقض آن باشد؟

۵- آیا سازمانهای بین المللی در راستای حمایت از حقوق شهروند آن کشورها و حقوق بشر موفق بوده اند؟

در پاسخ به سؤالات مذکور این فرضیه ها به دست می آید که حقوق شهروندی حقوق فرد در مقابل تعدی و تجاوز از اختیارات قانونی خود یا به عبارت دیگر سوء استفاده دولت از قدرت است. دولت هر چند نماینده و وکیل مردم است اما گاه از اختیارات قانونی فراتر می رود و با سوء استفاده از قدرت باعث تعدی و تجاوز به حقوق فرد در جامعه و نقض حقوق شهروندی می شود.

دیگر آنکه حقوق شهروندی همانند سایر رشته های حقوق از ضمانت اجرایی معتبر سود می برد و عمدتاً تفاوت حقوق با اخلاق در داشتن همین ضمانت های اجرایی شناخته شده می باشد. لکن ضمانت های اجرایی قواعد حقوقی همیشه یکسان نبوده و به یک نحو عمل نمی کند. به عنوان مثال ضمانت اجرا در حقوق بین الملل با حقوق داخلی متفاوت است.

قانونگذار در قوانین کیفری ضمانت اجراهای به مراتب شدیدتر از تضمین های مدنی پیش بینی می کنند و تضمینات مدنی خود نیز متفاوت است. همان گونه که می دانیم این ضمانت اجراها نسبت به اسناد عادی و رسمی و تجاری متفاوت است. حقوق شهروندی نیز به لحاظ اینکه از یک طرف ریشه در حقوق طبیعی افراد دارد و از سوی دیگر در تقابل با قدرت دولت است، گاه دریافتن ضمانت اجرای لازم با دشواری مواجه می شود. این پایان نامه در پی راهکاری برای اعمال ضمانت اجرای مناسب برای این حقوق است.



از آنجا که حقوق شهروندی از لحاظ انسجام و مفهومی، یک ساختار جدید است و لذا بررسی آکادمیک آن امری اجتناب ناپذیر است و چگونگی اعمال این حقوق و پیش بینی راه کارهای بازدارنده از نقض از یک سو و هر گونه اقداماتی درباره صیانت، گسترش، بازشناسی آن از سوی، دیگر در قوانین داخلی و فراملی انگیزه و تمایل نگارنده را به جهت اشتغال در دستگاه قضایی و رسیدگی به امور جزائی مضاعف نموده، امید است که اهداف پیش بینی حاصل گردد.

### **ب: هدف از تحقیق**

حقوق شهروندی در استانداردهای بین المللی مورد تأکید قرار گرفته و اکثر استانداردها دولتها عضو را تشویق و در مواردی ملزم به رعایت این حقوق می نمایند. کشور جمهوری اسلامی ایران نیز به پاره ای از این کنوانسیونها پیوسته و در این راستا بهره مندی از متون غنی اسلامی در سالهای اخیر حقوق شهروندی، تدابیر، ابزار و ضمانت اجرای آن موضوع بحث فراوان قرار گرفته است لایحه حقوق شهروندی تصویب و بموجب دستورالعمل ها و بخشنامه های جداگانه نیز بر اجرائی کردن آن تأکید ورزیده شده است.

این ضرورت احساس گردید تا در کنار کارها و تحقیقاتی که سایر ارجمندان انجام داده اند با رویکردی جدید و بصورت تفضیلی در یک پایان نامه بصورت مستقل به بررسی زوایای این تأسیس پرداخته شود.

### **ج: پیشینه تحقیق:**

در زمینه حقوق شهروندی و موضوعات مرتبط با آن مطالعاتی در کشور جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته و کتب، مقالات و پایان نامه های نیز به رشته تحریر در آمده است. که می توان به بعضی از آنها اشاره کرد:

- ۱- جرائم علیه حقوق شهروندی تألیف غفور تقی اوغلی انتشارات محقق اردبیلی.
- ۲- حقوق شهروندی تألیف آرزو رضایی پور انتشارات سپهر ادب.

- ۳- حقوق بشر در جهان معاصر تألیف سید محمد قاری سید فاطمی.
- ۴- شکنجه تألیف سید عباس موسوی انتشارات خط سوم.
- ۵- تضمینات حقوق متهم در ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد نوشته علی رضایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.
- ۶- حمایت از حقوق بشر در قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب نوشته افشین عبدالله تبار قاسم آبادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق.

#### د: روش تحقیق:

در این تحقیق از روش کتابخانه ای استفاده شده است. مطالب از کتب مختلف حقوقی اجتماعی و تاریخی استخراج و با مطالعه دقیق قوانین مقررات، بخشنامه ها، آئین نامه، آراء و نظریات مشورتی و تفسیری و نیز با استفاده از سالهای تجربه شخصی در امر قضاوت در محاکم کیفری و حقوقی، تجزیه و تحلیل و برآورد آن بصورت متن حاضر تقدیم می گردد.

## فصل اول:

بیان مفاهیم و پیشینه ی تحولات تاریخی حقوق

شهروندی در ایران و کشورهای غربی و رابطه آن با حقوق بشر

مبحث اول: بیان مفاهیم و رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر  
مبحث دوم: پیشینه ی تحولات تاریخی حقوق شهروندی در ایران  
مبحث سوم: پیشینه ی تحولات تاریخی حقوق شهروندی در غرب

### مبحث اول: بیان مفاهیم و رابطه حقوق شهروندی و حقوق بشر

برای شناسایی مناسب هر مفهوم و ارائه تعریفی مناسب از آن روش متداولی است که از بررسی لغوی موضوع شروع شده، سپس با شناسایی معنای اصطلاحی در پی ارائه تعریفی جامع و مانع بر می آید. ما نیز از این روش تبعیت می کنیم و بدواً به معنایی که لغویون از این واژه ها بدست داده اند پرداخته سپس این نتیجه به دست می آید که اصطلاح مذکور تا چه اندازه با مفهوم واژه ای منطبق است.

### گفتار اول: مفهوم حق و حقوق

حق اصطلاحاً در معانی زیر به کار می رود:

«الف- اموری که در قانون پیش بینی شده اگر افراد مجاز باشند که به قصد خود برخی از آنها را تغییر دهند این امور قابل تغییر را حق گویند مانند مدلول ماده ۳۸۷ ق - م که از نظر ما قابل اسقاط است یعنی طرفین عقد بیع می توانند ضمن عقد بیع شرط اسقاط ضمان تلف مبیع قبل از قبض را بین خود بنمایند. حق به این معنی در مقابل حکم به کار می رود.

ب- نوعی از مال است و در این صورت در مقابل عین، دین، منفعت، انتفاع به کار می رود. چنان که گویند مالکیت عین، مالکیت دین، مالکیت منفعت، مالکیت حق مانند مالکیت خیار و مالکیت حق تحجیر.

ج) قدرتی که از طرف قانون به شخصی داده شده حق نامیده می شود. در فقه در همین معنی کلمه سلطه را به کار می برند.»<sup>۱</sup>

حق در اصطلاح عبارت است از توانایی که شخص بر چیزی یا به کسی داشته باشد.<sup>۱</sup> و حقوق اصطلاح سلطنت و تسلط استقلالی یا قرار دادی و یا غیر قرار دادی اشخاص است با اشخاص

۱- جعفر، جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق تهران: کتابخانه گنج دانش چاپ پانزدهم ۱۳۸۴ ص ۲۱۶.

یا اشیاء. کلمه حقوق در زبان فارسی معانی گوناگون دارد، ولی از جهات علمی و فلسفی دو معنی آن بیشتر مورد گفتگو است:

«الف- مجموع مقرراتی است که در زمان معینی بر جامعه ای حکومت می کند.

ب- برای این که حقوق به هدف نهایی خود یعنی استقرار عدالت در روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع برسد ناچار باید برای پاره ای از مردم امتیازاتی در برابر دیگران بشناسد و با ایجاد تکلیف برای گروه دوم توانایی خاصی به آنان اعطا کند. این امتیاز و توانایی را که حقوق هر جامعه منظم برای منظم برای اعضای خود به وجود می آورد حق می نامند که جمع آن حقوق است و حقوق فردی نیز گفته می شود. مثل حق حیات، حق مالکیت، حق ابوت و بنوت، حق زوجیت<sup>۲</sup>»

«حقوق مجموعه ای از قواعد الزام آور و کلی است که بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین شده است.<sup>۳</sup>»

«حقوق جمع حق و حق به معانی راست، درست، مقابل باطل، یقین، عدل، داد، انصاف، نصیب، بهره، مزد، شایستگی، سزاواری و حقوق راستیها، درستیهها، حصه ها، بهره ها، وظایف، تکالیف، قوانین.<sup>۴</sup>»

حق با تکلیف توأم است. یعنی هر جا که حق است، تکلیفی نیز برای ذیحق وجود دارد. بنابراین به معنی لغت تکلیف نیز پرداخته می شود: «تکلیف به معنای بار کردن، به گردن

---

۱- محمد جعفر، جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی، دوره ۵ جلدی، حقوق ج ۳، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش چاپ دوم ۱۳۸۱ ص ۱۶۶۹.  
۲- ناصر، کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۲ ص ۴۶۲.  
۳- ناصر، کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۲ ص ۴۶۲.  
۴- همان منبع ص ۴۶۲.

گذاشتن کاری سخت و شاق را به عهده کسی گذاشتن، وظیفه ای که باید انجام شود، اوامر و نواهی خداوند بر بندگان.<sup>۱</sup>»

### گفتار دوم: مفهوم حقوق بشر

«بشر هم موضوع حقوق است و هم موضوع تکالیف؛ حق و تکلیف دو روی یک سکه اند.<sup>۲</sup>» برای رسیدن به مفهوم حقوق شهروندی لازم است حقوق بشر را تعریف نماییم، زیرا حقوق بشر زیر مجموعه مباحث مرتبط با حقوق بشر است. در مسأله حقوق بشر امر تابعیت نباید دخالت داده شود زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا که هست باید دارا باشد. می توان حقوق بشر را مجموعه ای از ارزشها، مفاهیم، اسناد و ساز و کارهایی دانست که موضوعاتشان حمایت از مقام، شأن، منزلت و کرامت انسانی است. حقوق بشر اعم از حقوق شهروندی یا حقوق شهروندی است.

حقوق بشر به دو حوزه حقوق طبیعی و حقوق اکتسابی تقسیم می شود: غرض از حقوق طبیعی بخشی از حقوق انسانی است که ذاتاً فرد باید از آن منتفع و بهره مند گردد، مانند حق حیات. اما حقوق اکتسابی یا مکتسبه یا تحصیلی فرد در حوزه ی اجتماع و زندگی جمعی انسان معنا پیدا می کند. فرد باید در زندگی درون اجتماع از حقوق معینی برخوردار گردد که از این حقوق می توان به حقوق شهروندی تعبیر کرد.

در چارچوب اندیشه حقوق بشر، انسانها در جامعه بنده و رعیت دولت نیستند بلکه شهروند محسوب می شوند. بر اساس مفهوم شهروندی انسان ها و شهروندان یک جامعه حق دارند که از صاحبان قدرت در قبال اقدام هایشان بازخواست کنند که این امر جز در سایه مفهوم حقوق بشر قابل تحقق نیست. مفهوم خدمتگزاری یا مردم سالاری دولت، نیز تنها در چارچوب مفهوم حقوق شهروندی تحقق می یابد، تا دولتها به انسانها نه به عنوان رعایای خود بلکه به عنوان

---

۱- محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، دوره ۶ جلدی  
۲- محمد جعفر، جعفر لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۲، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش چاپ دوم ۱۳۸۱ ص ۱۴۰۳.

ولی نعمت و انسان هایی که صاحبان واقعی قدرت سیاسی هستند نگاه کنند. بر این اساس قدرت دولت ناشی از اراده و خواست مردم است و تداوم آن نیز به خواست و رضایت مردم مشروط است. چنان چه دولت حاکم نتواند رضایت مردم را جلب کند طبعاً خود به خود مشروعیت خود را از دست می دهد و مردم می توانند حکومت دیگری را جایگزین آن نمایند.

اندیشه حقوق بشر، داشتن حق را برای انسانها به رسمیت می شناسد و تاریخ برای این رشد مداوم حقوق انسانی، پایانی متصور نیست.

### گفتار سوم: مفهوم شهروند و شهروندی

« واژه شهروند بر گردانی از واژه انگلیسی Citizen و واژه فرانسوی Citoyen است ریشه لغوی این کلمات نیز واژه سی وی تاس (Civitas) است که خود صورت لاتینی شده واژه Polited یونانی به معنای عضو یک «پولیس» یا همان دولت - شهرهای یونانی بویژه آتن است که واحدهای سیاسی مستقلی محسوب می شدند. لذا در معنای لغوی، شهروند به معنای عضو جامعه سیاسی «شهر» است که معنای اخیر در دوره کنونی کاربردی ندارد.

در زبان فارسی برخی معتقدند ریشه لغوی «شهر بند» است. شهر بند ترکیبی از دو اسم شهر و بند به معنای زندان (بند شهر) یا زندانی است.

سعدی:

ما گدایان خیل سلطانیم      شهر بند هوای جانانیم

نظامی گنجوی:

حصار فلک بر کشیدی بلند      در او کردی اندیشه را شهر بند

شهروند فردی است در ارتباط با یک دولت که از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف هایی به عهده دارد. شهروندی منزلتی است برای فرد در ارتباط با یک دولت که از نظر حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می شود. شهروند



رعیت و فرمانبردار دولت نیست بلکه از حقوق فطری و طبیعی که خداوند به او عطا نموده برخوردار می باشد. شهروند بنا به تعریف سنتی بر تبعه منطبق است بدین ترتیب شهروندی ارتباطی است عاطفی و حقوقی و سیاسی که فرد را به یک دولت مشخص پیوند می دهد و در نتیجه آن برای هر دو طرف (فرد و دولت) حقوق و تکالیفی ایجاد می شود. به عنوان مثال فرد از امتیازات سیاسی - اجتماعی و غیر آن برخوردار می شود و دولت مکلف به محترم شمردن آن است و در مقابل، فرد نیز مکلف به پرداخت مالیات، رعایت الزامات دولتی، انجام خدمت وظیفه عمومی و از این قبیل است.»<sup>۱</sup>

به بیان دیگر مفهوم شهروند که در متون جامعه شناسی، حقوقی و سیاسی امروز، اهمیت بسیار یافته است و گذشته از بار اجتماعی و سیاسی خود، بار حقوقی نیز بر دوش می کشد و توجه سازمان های بین المللی حقوق بشر را به خود جلب کرده و موضوع بسیاری از اعلامیه های بین المللی و نیز قوانین داخلی قرار گرفته است در مقابل هویت غیر اکتسابی انسانی که هر موجود بشری از بدو تولد آن را داراست (حقوق بشر) به کار می رود هویت شهروندی در واقع هویت قرار دادی و اکتسابی است. در درجه اول با عضویت در واحد سیاسی به نام دولت - ملت (کشورهای امروزی) حاصل می شود و با خروج از آن نیز زایل می گردد. هویت شهروندی به مانند هویت انسانی همه افراد را از هر جنس، رنگ، مذهب، نژاد، قومیت به طور یکسان شامل می گردد. در جامعه جهانی امروز هیچ گونه تبعیضی در حقوق شهروندی بر مبنای خصوصیات مختلف انسان ها پذیرفته نیست و کشورها باید از وضع قوانین تبعیض آمیز و درجه بندی شهروندان پرهیز نمایند.

البته ممکن است بعضی اوقات از شهروند، در معنی حقوقی خود استفاده نشود و مفهوم لغوی این واژه مورد استفاده قرار گیرد که در این صورت از یک سو آن دسته از اتباع کشور که در

---

۱ - جان، ناس، تاریخ ادیان بی تا ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۹۲ - سال ۱۳۸۶.

قلمرو کشور سکونت ندارند از شمول این تعریف خارج می شود و از سوی دیگر اتباع بیگانه که در قلمرو کشور سکونت دارند، به این تعریف وارد می شوند.

#### گفتار چهارم: مفهوم حقوق شهروندی و رابطه آن با حقوق بشر

##### الف: مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی ترکیبی است از دو کلمه حقوق و شهروندی که تعریف لغوی و اصطلاحی هر کدام بیان شده است. اما در بیان موضوع بیش از آنکه معنی لغوی عبارت مورد توجه نیاز باشد مفهوم اصطلاحی آن به کار می آید. این واژه در حقوق ایران واژه جدید است و گذشته تاریخی آن چندان روشن و شفاف نیست. اما این حقوق بیش از آنکه مفهومی روشن و شفاف باشد، اصطلاحی بوده که در عمل مورد استفاده قرار می گرفته است. هر چند تحت عنوان حقوق شهروندی مطرح نبوده است.

ممکن است گفته شود مفهوم لغوی محدود کننده مفهوم اصطلاحی نیست. بدین معنی که استفاده از مفهوم لغوی محض، فقط اتباع بیگانه مقیم در کشور را به مفهوم شهروندان اضافه می نماید. بدین ترتیب، شهروند عبارت می شود از تمامی اتباع کشور به علاوه تمامی ساکنین کشور صرف نظر از تابعیتی که دارند.

این امر می تواند ابتدایی بر پذیرش شهروندی دو یا چند گانه به عبارتی دیگر تابعیت مضاعف گردد.

شهروند، بر طبق تعریف کلاسیک همان اتباع کشورند و حقوق شهروندی نیز حقوقی است که اتباع هر کشور از آن بهره مند می شود. این حقوق می تواند در جوامع مختلف به فراخور وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سایر موارد متفاوت باشد. البته برخی از این حقوق نیز با حقوق بشر یا حقوق ذاتی انسان پیوند خورده اند و این حقوق در همه جا یکسان فرض و پذیرفته می شود.

تغییراتی که جوامع امروزی به خود دیده و کم رنگ و کم رنگ تر شدن پدیده مرز در حقوق بین الملل نوین و تمایل کشورها به همگرایی و تشکیل اتحادیه ها و کنفدراسیون ها باعث شده که حقوق شهروندی نیز مفهوم گسترده تری را در برگیرد و عناوینی چون شهروند جهانی جای خود را در ادبیات حقوق بگشاید. لذا در این وضعیت حقوق ساکنین کشور صرفنظر از اینکه تبعه یک دولت باشند یا نباشند هر چه بیشتر به هم نزدیک می شود. به عبارت دیگر اگر در دنیای کهن غرب، اتباع بیگانه از حقوق بسیار محدودی برخوردار بودند لکن در غرب امروز این حقوق بشر گسترده شده است. یعنی در غرب باستان، بیگانه فاقد هر نوع حقوقی بود مگر اینکه صراحتاً دارای آن محسوب می شد و امروز جز مواردی معدود نظیر حقوق سیاسی، بیگانه از تمامی حقوقی اتباع یک کشور دارا هستند، بهره می برند.

برخی علمای حقوق با اختصاص دادن حقوق شهروندی به تبعه جهت استفاده و بهره از حقوق سیاسی چنین تعریف می کند:

«حقوق شهروندی حقوقی است برای اتباع کشور در رابطه با مؤسسات عمومی، مانند حقوق سیاسی، حق استخدام عمومی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق گواهی دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق واقع شدن.»<sup>۱</sup>

هر چند حقوق شهروندی را حقوق اتباع هر کشور می دانند لکن این گرایش شدید وجود دارد که حقوق اتباع کشور منهای حقوق سیاسی و آنچه با جنبه های حاکمیتی دولت مرتبط است به ساکنین کشور تعمیم داده شود، لذا در قانون حفظ حقوق شهروندی که نگاه ویژه ای به حقوق متهمین دارد بنحوی که می توان گفت در این قانون، حقوق شهروند و متهم در هم عجین شده است. بدیهی است حقوق متهم، از ارتباط معنوی دولت و فرد - تابعیت - هیچ گونه تأثیری نمی پذیرد و هیچگاه نباید فرد را از آنجا که تبعه کشور نیست در رویارویی های جزایی بیشتر و سنگین تر، طرف برخورد قرار داد.

۱ - محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، منبع پیشین، ج ۳، ص ۱۷۳۰.

در نهایت و ماحصل کلام اینکه هر چند نمی توان به راحتی از تعریف کلاسیک چشم پوشید لکن باید گفت که در دنیای امروز، منهای حقوقی که منحصرأ متعلق به اتباع کشور می باشد از سایر حقوق، همه ی ساکنین کشور بهره می برند یعنی دامنه حقوق اتباع به نفع حقوق سکنه محدود و محدود تر شده است تا جایی که دور از واقع نیست که حقوق شهروندی امروز را حقوق همه ساکنین کشور صرفنظر از تابعیت، نژاد، مذهب، رنگ، جنسیت، و سایر ویژگی ها به استثناء حقوق سیاسی و موضوعات حاکمیتی را مختص اتباع کشورها دانسته شود.

### **ب: رابطه حقوق شهروندی با حقوق بشر**

اگر ایده بنیادی شهروندی را حق تعیین سرنوشت بدانیم، یعنی اینکه حقوق شهروندی در پی تضمین سرنوشت هر شخص در اجتماع خود(زندگی اجتماعی) و تعیین حقوق و منافع برای او به واسطه شهروندی است، آن گاه شهروندی و تحقق حقوق مربوط به آن پیوند وثیقی با مشارکت شهروندان برای تعیین سرنوشت سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود خواهد داشت.

این مشارکت باید امکان دنبال کردن هدف ها را در چهار چوب یک قرار داد اجتماعی در شرایطی که همه افراد در حقوق و تکالیف برابر باشند، فراهم سازد.

طرف های حق در سیستم شهروندی عبارت اند از اتباع دولت یا شهروندان و دولت. رابطه ای که این دو را به هم مربوط می سازد، ماهیتی دو گانه دارد؛ زیرا، دو سویه و حق - تکلیف مدارا است. در واقع، شهروندی طرح ریزی سیستمی است اجتماعی برای تحدید دولت و مدیریت اجتماعی که بیش تر جنبه اجتماعی دارد، در این سیستم که رکن اساسی آن عضویت<sup>۱</sup> است، در کنار حقوق به مسئولیتهای اجتماعی مانند دفاع از کشور، دادن مالیات و تبعیت از قانون نیز توجه خواهد شد. مسئولیت اجتماعی شهروند فقط منحصر به دولت نیست بلکه در مقابل شهروندان دیگر هم مسئولیت دارد. به بیان دیگر، همه افراد در مقابل همه افراد

---

1- Membership.